

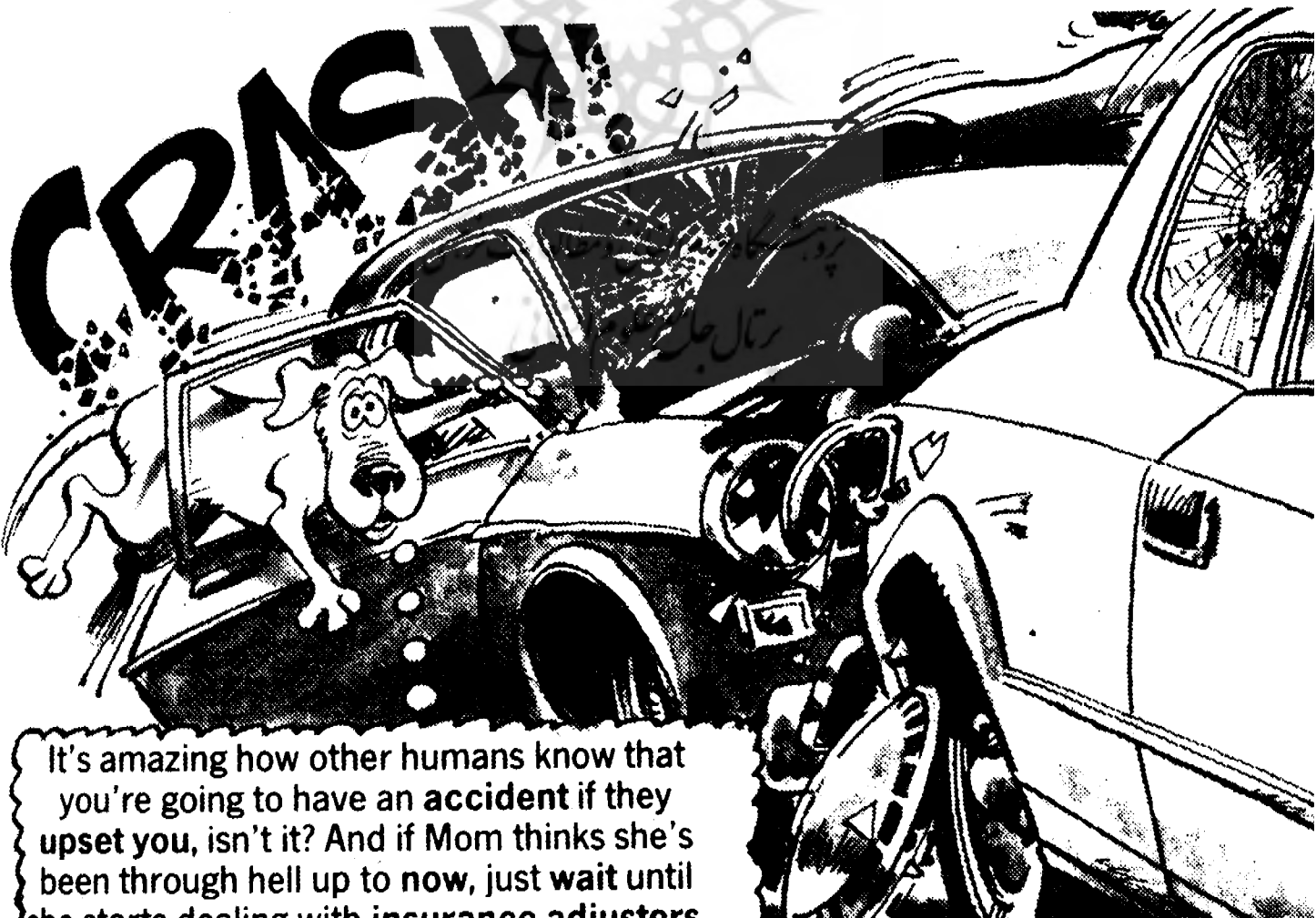
# دراکر یک لولی پاپیست نیست Draker is Not Lolipapist

ترجمه:  
زهرانی زمند



مورت دراگر می گوید: «کاریکاتور چیزی فراتر از کشیدن چهره های خنده دار است.» و توضیح می دهد: «شباهت یا برجسته ساختن اجزا و خصوصیت های ظاهری حاصل می شود. ولی همین اختلاف های جزئی اما دقیق و ظریف یک شخص است که به چهره او روح می بخشد. من معتقد نیستم که کاریکاتور با طراحی یک چهره شروع شود و با آن پایان پذیرد، بلکه ژست ها، وضعیت پاها، نقطه دید، حالات چهره و صورت، همه چیزهایی اند که به شناسایی هر چه بیش تر اثر کمک می کنند. ما می توانیم دوستان و اعضای خانواده مان را از غریبه ها تشخیص دهیم، می آن که صورت آن ها را ببینیم. شما اغلب می توانید افراد را از نحوه راه رفتنشان بشناسید. من علاقه زیادی به دست ها دارم. آن ها یک داستان کامل را بازگو می کنند. اگر تناسب درستی میان صورت، حالت اندام و دست ها برقرار کنیم، به اثرمان معنا، بعد و طنز بیش تری خواهیم بخشید.»

مورت دراگر، عضو مدرسه کاریکاتور «لولی پاپ» نیست که کارشان کشیدن کاریکاتور چهره است. به گونه ای که بتوان آن ها را روی هر بدنی چسباند. یک «لولی پاپیست» نشان می دهد که لیگورها و حالت ها قابل مبادله اند! ممکن است آن ها بعضی از آن ها را جاق تر و برخی دیگر را بلندتر تصویر کنند، اما همه آن ها مانند کیشه ها، ثابت و یک نواخت اند.



It's amazing how other humans know that you're going to have an accident if they upset you, isn't it? And if Mom thinks she's been through hell up to now, just wait until she starts dealing with insurance adjusters

مورت دراکر از همان آغاز به کل شخصیت سوژه خود توجه می‌کند. او با اولین حرکت‌های سریع قلمش، شخصیت کاریکاتورهایش را پدیدار می‌سازد. حتی زمانی که او در اولین مراحل اجرایی کارش، شکلی مثل بیضی را طراحی می‌کند، سامی توانیم چهره آل پاچینو را از تام هنکس تشخیص دهیم. در همین جا است که دراکر ما را مبهوت طراحی قدرتمند خود می‌سازد.

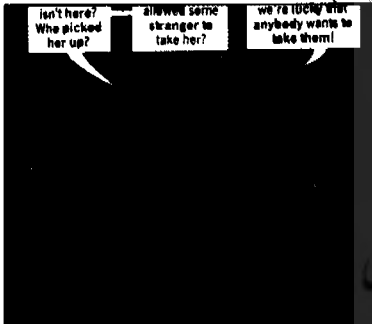
### ■ چهره

داشتن ویژگی‌های فیزیکی متنوعی از یک شخص به ترسیم کاریکاتور او کمک می‌کند، ولی چهره فرد عامل اصلی برای تشخیص و شناسایی وی به شمار می‌آید. انسان‌ها از طریق ارتباط چشمی به درک پیرامون خود دست می‌یابند و به وسیله روبه‌رو شدن مستقیم به محرک‌های شفاهی پاسخ می‌دهند. همان‌گونه که ما یک مطلب را می‌خوانیم و درک می‌کنیم، از چهره افراد نیز به استنباط‌های مشخصی دست می‌یابیم. به همین دلیل، صرف توجه به اغراق در کاریکاتور کار چندان مطلوبی نیست و یک کاریکاتوریست حرفه‌ای به کل اثر توجه دارد تا مثلاً تنها به بزرگ کردن دماغ سوژه خود. او سر و چهره را دوباره بازسازی می‌کند تا همه اغراق‌هایش با هم جور شوند و اجزای چهره سوژه‌اش در جاهای دقیق قرار گیرند. بدین وسیله، کاریکاتوریست با اجرای اثر خود بهترین دریافت را به مخاطبان منتقل می‌سازد.

اجزای بیکره آدمی مانند دست، پا، بینی و چشم همه به هم شبیه‌اند. اما دراکر می‌گوید: «این فضاهای بین آن‌ها و ویژگی‌ها و روابطشان با یکدیگر است که یک چهره را از چهره دیگر متمایز می‌سازد. من اجازه می‌دهم که اجزا در اطراف محدوده صورت حرکت کنند تا هنگامی که احساس کنم که به وضعیت مناسب و فاصله‌های درست بین آن‌ها دست یافته‌ام.»

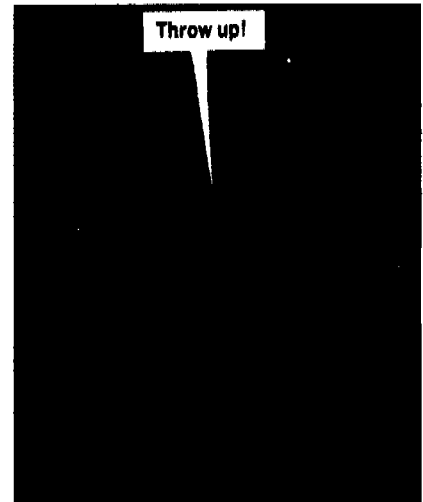
■ عکس‌ها کمک‌کننده‌اند، اما پاسخ‌دهنده نیستند!

مورت دراکر عکس‌ها را عیناً نمی‌کشد یا کپی نمی‌کند، اما اغلب به عنوان اساس کارش از آن‌ها بهره می‌گیرد. عکس او را به یاد چیزهایی می‌اندازد که وی در تلویزیون و سینما دیده است؛ به عبارتی، او با دیدن این فیلم‌ها به مطالعه دقیق‌تری از سوژه‌های خود می‌پردازد و با شخصیت آن‌ها بیش‌تر آشنا می‌شود.



دراکر همواره به حالت‌های چهره و اختلاف‌های جزئی سوژه‌هایش توجه دارد. برای او، حتی نحوه گفتار و رفتار و ادا و اصول سوژه‌هایش بسیار مهم است؛ وی با مطالعه دقیق این ویژگی‌ها به عمق شخصیت آن‌ها دست می‌یابد و با تلاش و کوشش زیادی شباهت گرافیکی‌شان را حفظ می‌کند!

در بسیاری اوقات، شباهت نقاشی افراد به خود آن‌ها از عکس‌شان بیشتر است. این مسئله حاضر جوابی بیکاسو را به یاد می‌آورد، زمانی که او برتره‌ای از یک نویسنده معروف را طراحی کرد و خیلی‌ها به دلیل عدم شباهت اثر با نویسنده از وی انتقاد کردند. بیکاسو در پاسخ به این انتقادها گفت: «اشکالی ندارد، در پایان، او خودش شبیه این برتره خواهد شد!»



make  
a  
wish?

if it's  
appropriate...

peace!

That  
won't  
do...

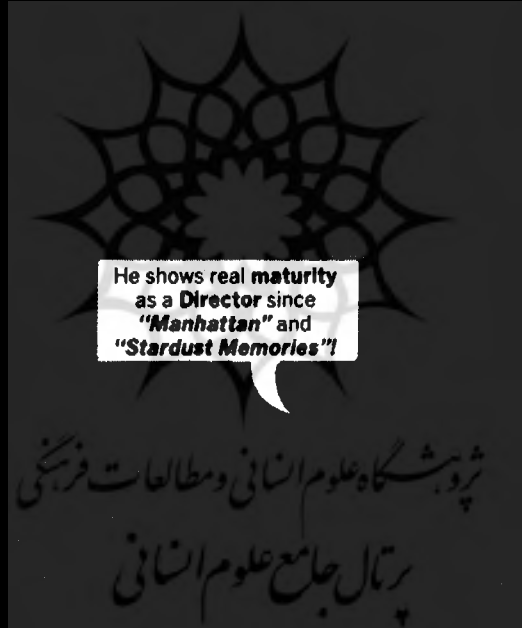
a Gestalt therapy summer camp so  
can work through my anxiety crisis!

much  
better,  
dear!

This is a veritable  
masterpiece! Woody  
has certainly grown  
as a filmmaker!

What brilliant touches! Instead of Gershwin  
music, he's using Rodgers and Hart! And  
instead of Diane Keaton talking in over-  
lapping dialogue, he has Mia Farrow doing it!

HOW  
AM I  
DOIN'?



Right! Woody's  
finally learned  
where to buy  
color film!



جواب پیکاسو چیزی بیش تر از یک شوخی بود. وی به دلیل دوستی طولانی اش با آن نویسنده معروف، شناخت کاملی از او داشت و به همین دلیل آنچه را که باید در پرتره ارائه می کرد، به نمایش گذاشته بود. سال ها بعد، نویسنده به راستی شبیه پرتره پیکاسو شد!

■ آموختن از طریق کار کردن

دراکر می گوید: «من واقعا خوشبختم، به این دلیل که هرچه در مورد کاریکاتور می دانم از طریق تجربه حرفه ای ام آموخته ام. به یاد نمی آورم وقتی را برای مطالعه کتابی درباره کاریکاتور گذرانده باشم! حتی اگر چنین کتابی هم در دسترس بود، وقت خواندنش را نداشتم.

هنگامی که کارم را شروع کردم، مانند هر هنرمند حرفه ای دیگر، از من آثار طنز می خواستند تا شباهت مستقیم. وقتی اولین بار بابت طراحی آثارم پولی دریافت کردم، با خودم گفتم من هم می توانم کاریکاتور بکشم! آن زمان نمی دانستم که کاریکاتور بهترین وجه کار و حرفه من خواهد شد.»

دراکر مانند بسیاری از هنرمندان دیگر کارش را با طراحی کمیک استریپ برای کتاب های کمیک آغاز کرد. آرزوی او این بود که از این کار رهایی یافته، به یک سندیکای روزانه بپیوندد. گرچه سندیکاها استقلال مالی افراد را ضمانت نمی کنند، اما با ارائه منظم آثار هنرمندان این فرصت را برای مطرح شدن و نیز محبوبیت آن ها فراهم می سازند.

■ مستقیما کار کردن

دراکر ایده هایش را روی کاغذ پیاده نمی کند، یعنی طراحی اولیه نمی کند و انود نمی زند. او ترجیح می دهد کار را ابتدا در ذهنش تکمیل و سپس آن را مستقیما روی کاغذ پیاده کند. همان طور که کار پیش می رود، او به تفسیرات یا حوادثی که ممکن است اثرش را ارتقا بخشد، توجه می کند و اجازه می دهد آن ها در طول طراحی، به کار وارد شوند.

دراکر معتقد است روش «هرچه باداباد» هیچان بیش تری برایش به ارمغان می آورد و مهم تر این که اجازه می دهد که قلم روی صفحه پرسه بزند و به دنبال راه حل های تصویری بهتری برای حل مشکلات بگردد.

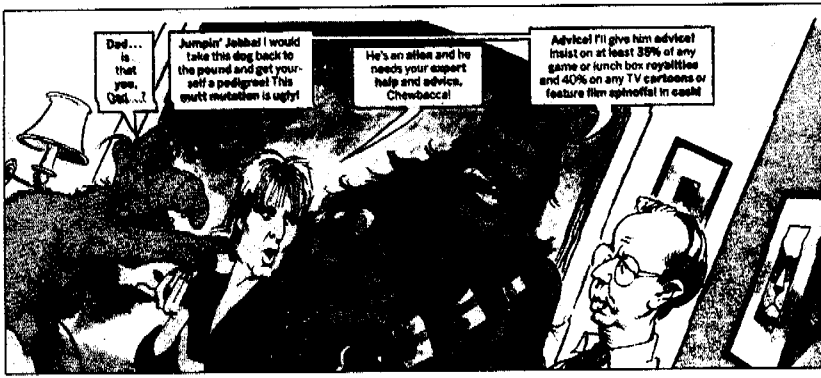
او می گوید: «من حالت ها را همان جاهایی می گذارم که فکر می کنم به آنجا تعلق دارند، نه آنجاهایی که مثلا عکس ها نشان می دهد.»

مستقیما کار کردن لزوما به معنی انتخاب روشی برای صرفه جویی در وقت نیست، اما وقتی ترکیب نهایی کار به دقت فکر می شود، نه تنها همه مشکلات ذاتی کار از همان ابتدا خود را می نمایانند،

بلکه راه حل های متناسب نیز برای رفع آن ها تجسم می شود. به هر حال، یک هنرمند باید توانایی کافی برای به تصویر کشیدن ذهنیت خود را داشته باشد.

یکی از مهم ترین عوامل در کشیدن کاریکاتور حق انتخاب است. عوامل بی ربط در تصویرسازی های طنز، حتی اگر زیبا و جذاب کشیده شده باشند، پیش تر از این که به ما کمک کنند، به اثر آسیب می رسانند. هر چیزی که توجه ما را از نکته اصلی باز دارد، یا باعث گیج شدنمان شود، بهتر است به آن پرداخته نشود. دراکر گاهی از مصاد برای پس زمینه استفاده می کند، در حالی که برای پیش زمینه که کانون توجه است، از قلم و مرکب بهره می برد.





Dad... is that you, Dad...?

Jumpin' Jehah! I would take this dog back to the pound and get your self a pedigree! This mutt metabolism is ugly!

He's an alien and he needs your expert help and advice, Cheebacc!

Advice! I'll give him advice! Insist on at least 35% of any game or lunch box royalties and 40% on any TV cartoons or feature film approval in cash!

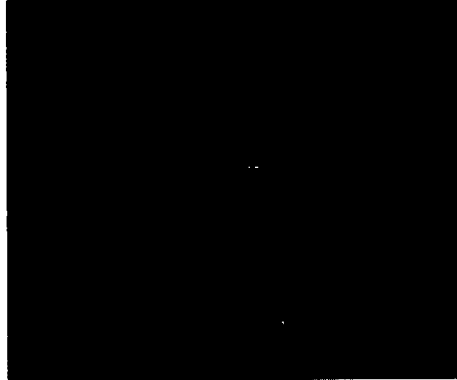


■ قلم، جوهر و رادیو

بگشود. کارهای اولیه دراکر شامل طراحی با مداد رنگی هایی بود که با آب رقیق شده بودند. بعدها وی استفاده از جوهرهای رنگی را تجربه کرد. او می گوید: «رادیو برای من مثل ابزار نقاشی مهم است. همیشه وقتی کار می کنم رادیو روشن است. اغلب اوقات حتی متوجه روشن بودنش هم نمی شوم. این وسیله تنها راه تماس من با جهان خارج است، وقتی که در قرنطینه نسبی در حال کار کردن هستم! اما بعد از آن که کارهای چاپ شده ام را بعد از ماه ها می بینم، تازه می توانم به یاد بیآورم که چه چیزهایی را شنیده ام!»

دراکر ترجیح می دهد روی مقواهای سفید مخصوص تصویرسازی کند. این نوع کاغذها اجازه می دهند تا طیف وسیعی از رنگ های شفاف به راحتی روی آن ها گسترش یابد و نیز جای پاک شدگی بر رویشان باعث خرابی مقوا نشود. این امکان برای هنرمندانی که مایل اند به طور مستقیم کار کنند، بسیار اهمیت دارد.

قلم و جوهر مهم ترین ابزار کار دراکر است، زیرا او با این وسیله می تواند خطوط راست را ترسیم کند و جریان مداوم خط را روی کاغذ کنترل نماید. این نوع قلم ها به وی اجازه می دهند تا به سرعت قلمش را روی کاغذ حرکت دهد و خطوطی مناسب را



Why it's Simon McKay!  
The Wizard! Why in the world did you dress up in a fake fur and pretend to be an outerspace alien??

Because as the Wizard, I was able to conjure up everything except decent ratings! And since renewal of my show would be a real miracle, I thought I better start moonlighting on a show that had a better chance of survival! You know how show biz is, if your show gets cancelled, you're treated like an alien. At least this alien has been getting some decent Nielsen ratings!



So, Simon... Your place or mine?

Notice that even without anyone inside of me, I still have more personality than anyone else in this entire family!

# ANNUAL CONVENTION WORLD LEAGUE OF VERY POWERFUL PEOPLE



## تداوم

تداوم یک هجو سینمایی دنباله دار در مجله ای همچون «مد» مشکلات زیادی را برای کاریکاتوریست به همراه دارد و هنرمند به سادگی نمی تواند یک ایده قطعی و کامل را برای این گونه آثار دنباله دار خلق کند. پای بندی به شباهت افراد، انتخاب زاویه دید متناسب، ارتباط هر تصویر با مفهوم موردنظر داستان و ارتباط تک تک قاب ها با یکدیگر کار بسیار دشواری است که انجام آن ها تنها از هنرمندان برجسته ای همچون دراکر برمی آید.

مورت دراکر در این زمینه می گوید: «برای این که شخصیت اثرم شبیه به شخص موردنظر بشود، بر روی افراد مطالعه می کنم و عوامل مهم و حالت های کلیدی عکس العمل آن ها را در نظر می گیرم. مثلاً

لب هایی که در یک جهت مشخصی افتاده اند و یا چشم هایی که در هنگام خندیدن از حد معمول تنگ تر می شوند، توجه ام را جلب می کند.»

او می افزاید: «یک کجی کننده دقیق نمی تواند شباهت را تضمین کند و یک کاریکاتوریست همانند یک نقاش پرتره تنها با واقعیت ها و هر آنچه که از یک عکس می بیند روبرو نیست، بلکه اوسایه های کاهش یافته در صفحه دو بعدی عکس را به درستی تشخیص می دهد.»

مورت دراکر هنرمندی است شاد و حساس که آثارش را برای شاد کردن مردم می آفریند. هر هفته میلیون ها مشتاق سراسر جهان در انتظارند که داستان تصویری او را در نشریات معتبر جهان بازخوانی کنند.

